



مصطفی بادکوبه‌ای امید

پنهان کردن واقعیت‌های تلخ اجتماعی موجب مزمن شدن دردها، غافل شدن مسئولان امور، فریب اذهان عمومی و نهایتاً ایجاد سرطان‌های اجتماعی خواهد شد. هر انسان با وجدان، نوع‌دوست و آگاه، پیوسته تلاش داشته و دارد که آینده هموطنان باشد. هم نقاط قوت آنان را بازگو کند و هم خطاها را عمداً نادیده انگارد و مشکلات را ناگفته نگذارد... اما از آنجا که خوشبختانه بسیاری از نشریات و قلم به دستان بنا به مصلحت خود یا مصلحت نظام تنها و تنها به نمایش نقاط قوت و موفقیت‌های اجتماع پرداخته و می‌پردازند! و گاه آنچنان دلسوز مردم هستند که خوبی‌های خیالی، پیروزیهای موهوم و موفقیت‌های تصویری را هم در ذهن و کلام خویش می‌سازند و به آنها نسبت می‌دهند... ما تصور می‌کنیم که به عنوان دلسوزان حقیقی و یاران راستین جامعه، نمی‌توانیم خود را به خواب

خرگوشی بزنیم و به آمار و ارقام یک سویه خوشبینانه تکیه و چنان وانمود کنیم که در بهشت عدن زندگی می‌کنیم. تصور ما این است که جامعه مطبوعاتی به عنوان نهاد هشداردهنده رسمی کشور وظیفه دارد که نقاط آسیب‌پذیر اجتماعی را شناسایی نموده و به نحو صحیح به تجزیه و تحلیل شان بپردازد، زیرا که تعریف‌ها و تمجیدها موجب گمراه شدن مسئولان خواهد شد. با این مقدمه ضروری، اجازه می‌خواهد که به یک معضل بزرگ اجتماعی بپردازیم و دردی از دردهای اساسی جامعه را عنوان کنیم... هر چند می‌دانیم که این سخن نیز به مذاق برخی از مسئولان تلخ خواهد آمد... ولی اگر بتوانیم دروری تلخ را به تن بیمار جامعه برسانیم، بهتر از شیرینی مداحی‌های مهلک است. به هر حال برخورد سطحی مسئولان ما طی سالیان اخیر به مسائل، عدم احساس وظیفه

پاسخگویی به مردم، عدم استفاده از نظر کارشناسان بی‌طرف، مبارزه با معلول‌ها به جای برخورد با علت‌ها و ریشه‌کن کردن آنها، عدم صراحت و قاطعیت دست‌اندرکاران... و دهها عامل دیگر باعث شده است که ما اکنون مانند بیماری باشیم که درد را به تدریج تحمل می‌کند، گاه هم داروی مسکن را مصرف می‌نماید اما به پزشک مراجعه نمی‌کند زیرا که عظمت درد و عمق بیماری‌اش را باور ندارد...

یکی از مشکلات فعلی و پدیده‌های تلخ و ننگ‌آوری که متأسفانه هر روز شاهد تنوع، گسترش و روح آن در سطح شهرهای بزرگ به‌ویژه تهران هستیم، موضوع زنان ویژه و انحرافات جنسی و خودفروشی‌های واضحی است که از مرحله بیماری معدود و محدود گذشته و میان مناطق مختلف شهر به انواع و اشکال مختلف خودنمایی می‌کند. کافی است آماری

صادقانه و سانسور نشده از کلانتری های (ببخشید پاسگاههای انتظامی) تهران و مسوولان زندانها یا معاونت مبارزه با مفاسد اجتماعی نیروی انتظامی گرفته شود یا مجوز تحقیقی میدانی و آزاد به گروهی از جامعه شناسان بدهند تا عمق فاجعه رخ بنماید. چه، زنان و دخترانی که با یک تلفن همراه، یک اتومبیل یا یک خانه ظاهراً استیجاری به دامی برای جوانان یا مردان میانسال تبدیل شده اند که البته خود آنها نیز صید دست صیادانی شده اند که حربه اصلی شان فقر، مادی است چه بسیارند زنان و مردان فرصت طلبی که بر سر راه زنان و دختران این مرز و بوم کمین کرده اند تا به محض شناسایی آنها، با نشان دادن در باغ سبزه، آنان را به منجلاب فساد و فحشاء بکشانند؛ و چه ننگ آور است دیدن صحنه های علنی در کنار خیابانها، اتوبانها و میدان های شهر که بر سر شرایط خودفروشی چانه می زنند و در کشوری که روزی پایگاه عشق و عرفان و عفت بود به تن فروشی، جلب مشتری و ... آنها در حضور عابران می پردازند.

هرگز فراموش نمی کنیم که در فرهنگ اصیل ایرانی قبل از اسلام و در باورهای دینی اسلام عزیز، یکی از بزرگترین گناهان، تن فروشی و تردامنی بوده است و بانوی اصیل ایرانی همیشه به نجابت شهره آفاق بوده و هست و هم اینک نیز موجب افتخار ماست که اکثریت زنان و دختران نجیب و شریف ایران زمین مظهر پاکدامنی، صبر و ایمان هستند اما اکنون که طلیعه های یک پدیده ننگین در حال خودنمایی است، بر اهل قلم و دلسوزان جامعه واجب است که به مسوولان هشدار دهند تا از کنار این پدیده شوم به راحتی نگذرند و چشمشان را به واقعیت ها نبندند!!

پرونده های جنایات جنسی در دادگستری ها بزرگترین علامت هشدار دهنده می باشند و تحقیقات میدانی جامعه شناسانه و متخصصان امور، نشان دهنده این واقعیت است که اینک اکثریت زنان و دختران منحرف، در دام فقر گرفتارند، مهم ترین عاملی که آنان را به دام فحشاء کشانده است احتیاج آنان به تأمین زندگی است،

البته ما این نوع برخورد با مشکل فقر را محکوم می کنیم و امیدوار بوده و هستیم که ایمان، صبر، وجدان و عزت نفس هموطنان گرامی ما موجب جلوگیری آنان از چنین آلودگی هایی شود اما دنیای واقعیت ها از دنیای آرزوها جداست، در چه باور افراد با یکدیگر فرق می کند و لازم است مسوولان امور با توزیع عادلانه ثروت، ایجاد اشتغال، جلوگیری از تورم، اجرای بیمه زنان بی سرپرست و سایر ابزارهای عملی، از گسترش این پدیده شوم جلوگیری نمایند و راضی نشوند که جامعه پاک ایران خدا بنا کرده، به ننگ تن فروشی آلوده تر شود.

ناگفته پیداست در جامعه ای که ثروت جانشین اعتقاد، وجدان و قانون شود، بعضی مردها هم اعمالی انجام می دهند که صدها بار از خودفروشی زنان ننگ آورتر است، اعمالی مانند قلم فروشی، دین فروشی، مداحی های تهوع آور، دورنگی های مسخره و ... اما اگر فکری برای رفع مشکل مادی جامعه بشود قطعاً زن ایرانی به پاکدامنی و نجابت خود همچون گذشته و حال افتخار خواهد کرد و مرد ایرانی نیز از انحرافات ناشی از نیاز مالی برحذر خواهد بود. سخن را با سروده زیر خاتمه می دهیم و شادمانی و سرافرازی همه را خواستارم:

ریشه فحشاء

در پاسخ شاعری که سروده است، گفت: فحشا از کجا آید پدید گفتمش از کوچه های بی شهید ضمن احترام به همه جان باختگان ایران و اسلام، توهین به سایر خانواده های گرامی ایران عزیز را برنناخته، سروده ای در قالب مثنوی منظره ای به پاسخ عرض شد:

دوش دیدم در گذر که صحنه ای

چار راهی و زنی و شحنه ای

زن چو بیدی لوز لوزان اشکریز

شحنه ای برسته هر راه گریز!

آتش نفرت به چشم شحنه بود

هر زمان جهلش به نفرت می فرود

بانگ می زد: کای پلید هرزه گرد

بوی گندت کوچه را آلوده کرد
مایه ننگی تو در این مرز و بوم
ای سیه دل، ای سیه کردار شوم
چوبه اعدام فحشا را سزاست
مرگ، پاداش زنی اهل زناست
سیل اشک زن چنان، ابر بهار
دمبدم می شست روی شرمسار
حلقه ای گرد آمد از پیر و جوان
گرد آن دلخسته آزرده جان
پیری آنجا در میان حلقه بود
کز خردمندان آگه می نمود
در نگاهش موجی از افسوس بود
بینش و آگاهی اش محسوس بود
دید چون چشمان غمبار مرا
غرقه در افسوس رخسار مرا
گفت: سوراخ دعا گم کرده اند
علت و معلول را گم کرده اند
ریشه کن هرگز نگردد علتی
گر که با معلول جنگد ملتی
گفتمش فحشا چرا آمد پدید؟
گفت: از فقر این بلا بر ما رسید
فقر فرهنگی و فقر اقتصاد
دامن پاک زنان بر باد داد
خودفروشان را اگر پیدا کنی
پوشش از درد دل آنها کنی
عمق درد آنجا هویدا می شود
ریشه این شاخه پیدا می شود
هر که خواهد جنگ با فحشا کند
نیست لازم دارها بر پا کند
چونکه زن تو دامن از مادر نژاد
وز رضایت تن بدین خواری نداد
گر نباشد از سر فقر و نیاز
کی زنی دامن کند بر غیر باز؟!
آب و نان و مسکنش تأمین کنی
آنگهش دعوت به سوی دین کنی
خوش سرود آن شاعر درد آشنا
عشقی آن در خون خود کرده شنا
آنکه شیران را کند رو به مزاج
احتیاج است احتیاج است احتیاج